

۱۱۹۵۷۲
۹,۵,۲۲

روابط خارجی ایران

۱۳۵۷-۱۳۲۰

تألیف:
دکتر علیرضا ازغندی

استاد علم ریاست دانشکده شهید بهشتی



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰ / علیرضا ازغندی.
وضعیت ویراست : [ویراست ۱۲].
مشخصات نشر : تهران: قومس، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۴۱۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۶-۲۵-۱ :
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.
موضوع : ایران - تاریخ - ۱۳۲۰-۱۳۵۷
موضوع : Political sociology-Iran :
موضوع : ایران - سیاست و حکومت
موضوع : Iran-History-1941-1979 :
رده‌بندی کنگره : DSR ۱۵۰۲ :
رده‌بندی دیویی : ۳۲۷/۵۵ :
شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۹۰۰۹۲ :



www.ketab.ir

نام کتاب: روابط خارجی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷
مؤلف: دکتر علیرضا ازغندی
ویراستار: مهدی عباسی
طراح جلد: محدثه موسوی
نوبت چاپ: بیست و یکم
سال چاپ: ۱۴۰۰
شمارگان: ۵۰۰
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۶-۲۵-۱
چاپ و صحافی: سعید دانش
قیمت: ۶۰۰,۰۰۰ ریال
ناشر: نشر قومس

تهران: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پایین‌تر از خیابان لبافی‌نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱.
تلفن: ۶۶۴۷۰۱۶۲-۶۶۴۷۰۱۵۳-۶۶۴۹۱۰۰۰
صندوق پستی: ۱۳۹۱-۱۳۱۴۵

www.ghoomes.com

کلیه حقوق چاپ و نشر (افست و الکترونیکی)، تکثیر، نسخه‌برداری و ترجمه برای نشر قومس محفوظ است.
(استفاده از مطالب کتاب فقط با ذکر مأخذ آزاد است)

فهرست

مقدمه

فصل اول

ساختارها و جهت گیری های سیاست خارجی ایران

۱۳	۱. ساختار و ماهیت نظام بین الملل
۱۷	۲. ساختار و ماهیت نظام سیاسی ایران
۲۱	۳. عوامل تأثیر گذار بر سیاست گذاری و اجرای سیاست خارجی
۲۶	۴. جهت گیری های سیاست خارجی
۲۶	الف - راهبرد موازنه منفی
۲۸	۱. روابط بین المللی
۲۸	۱-۱. توازن سیاسی
۲۹	۲-۱. استقلال از قدرت های برون مرزی
۳۰	۳-۱. ممنوعیت واگذاری امتیاز به قدرت های خارجی
۳۱	۴-۱. دفاع از ملل زیر ستم و قطع رابطه با ستمگران
۳۳	۲. امور داخلی
۳۳	۱-۲. اصل ملی گرایی و ضرورت دفاع از آن
۳۴	۲-۲. اصل پابندی به ارزش های سیاسی و فکری مشروطیت
۳۵	۳-۲. ضرورت تأسیس دولت ملی - دموکراتیک
۳۶	ب - راهبرد ناسیونالیسم مثبت
۳۹	۱. مقاومت در برابر تهدید نظامی اتحاد جماهیر شوروی
۴۰	۲. امنیت در گروی پیوند با غرب
۴۲	ج - راهبرد سیاست مستقل ملی
۴۵	۱. اتکاء به نیروی ماورائی و اسطوره های تاریخی
۴۶	۲. دموکراسی - دیکتاتوری
۴۸	۳. توانمندی نظامی
۵۱	۴. آمریکا، قدرت حامی
۵۳	یادداشت های فصل اول

فصل دوم

چرا ایران اشغال شد؟

۵۷	۱. اهمیت جغرافیایی ایران و ضرورت دفاع از هندوستان
----	---

۶۱	۲. ضرورت دستیابی به خطوط ارتباطی ایران
۶۲	الف - خطوط ارتباطی دریای سیاه به مسکو
۶۳	ب - راه مورمانسک به مسکو
۶۳	ج - راه آرخانگلسک به مسکو
۶۳	د - راه ولادی وستک به مسکو
۶۳	ه - راه خلیج فارس - جلفا به مسکو
۶۵	۳. ضرورت تأمین امنیت حوزه‌های نفتی
۶۹	۴. دستیابی دوباره به بازارهای ایران
۷۲	۵. سیاست غیرعقلایی رضاشاه
۷۷	۶. نقش و جایگاه ایران در راهبرد نظامی هیتلر
۸۴	یادداشت‌های فصل دوم

فصل سوم ایران در جنگ ۲۴ - ۱۳۲۰

۸۶	۱. اشغال نظامی ایران و استعفای رضاشاه
۹۱	۲. از پیمان سه‌جانبه تا اعلامیه سه‌جانبه
۱۰۲	۳. ایران و ایالات متحده آمریکا: نخستین تماس‌ها
۱۱۲	۴. مسأله نفت و رقابت قدرت‌ها
۱۲۲	یادداشت‌های فصل سوم

فصل چهارم ایران در سال‌های پس از جنگ ۳۰ - ۱۳۲۲

۱۲۴	۱. روابط ایران و شوروی: ادامه بحران
۱۴۲	۲. نفت و بحران روابط ایران و انگلستان
۱۵۶	۳. ایران و آمریکا: از حمایت تا میانجی‌گری
۱۶۷	۴. رقابت آمریکا و انگلستان در ایران
۱۷۴	یادداشت‌های فصل چهارم

فصل پنجم سیاست موازنه منفی ۳۲ - ۱۳۳۰

۱۷۷	۱. ملی شدن صنعت نفت و طرح‌های جایگزینی
۱۷۸	الف - پیشنهاد جکسون
۱۷۹	ب - پیشنهاد استوکس
۱۸۱	ج - پیشنهاد بانک جهانی
۱۸۲	د - پیشنهاد مشترک ترومن - چرچیل
۱۸۴	ه - دومین پیشنهاد مشترک انگلستان و آمریکا

۱۸۷	۲. روابط ایران و انگلستان: سیاست رویارویی
۱۹۶	۳. ایران و شوروی: سیاست صبر و انتظار
۲۰۲	۴. ایران و آمریکا: از میانجی‌گری تا براندازی
۲۰۸	۵. ارزیابی نقش آمریکا و انگلستان در کودتا علیه دولت ملی مصدق
۲۱۳	یادداشت‌های فصل پنجم

فصل ششم

ناسیونالیسم مثبت، شکل‌گیری سیاست خارجی ۴۲-۱۳۳۲

۲۱۵	۱. برقراری دوباره روابط ایران و انگلستان
۲۲۲	۲. چگونگی حل بحران نفت
۲۲۷	۳. روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی: همزیستی و تهدید
۲۳۷	۴. روابط ایران و آمریکا: افزایش نفوذ
۲۵۰	یادداشت‌های فصل ششم

فصل هفتم

سیاست مستقل ملی دهه ۱۳۴۰

۲۵۳	۱. روابط ایران با ایالات متحده آمریکا
۲۶۳	۲. روابط ایران با اتحاد جماهیر شوروی: همکاری و خصم
۲۷۲	۳. سیاست نفتی ایران در دهه ۱۳۴۰
۲۷۸	یادداشت‌های فصل هفتم

فصل هشتم

ایران در سال‌های تحکیم و گسترش روابط دهه ۱۳۵۰

۲۸۰	۱. نفت و سیاست ایران در دهه ۱۳۵۰
۲۸۵	۲. روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی: سیاست همزیستی
۲۹۹	۳. روابط ایران و ایالات متحده آمریکا: تحکیم وابستگی
۲۹۹	الف - ایران و دکترین نیکسون
۳۰۴	ب - روابط نظامی - امنیتی
۳۱۰	ج - روابط اقتصادی
۳۱۶	د - روابط سیاسی
۳۲۶	یادداشت‌های فصل هشتم

فصل نهم

روابط ایران با همسایگان و هم‌پیمانان

۳۲۹	۱. روابط ایران و جمهوری خلق چین
-----	---------------------------------

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه

اصول سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از مباحث اصلی رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. بدین سبب منابعی که به صورت مقاله و کتاب در زمینه رفتار و کردار کشورها انتشار یافته و بخشی از آنها نیز به فارسی ترجمه شده، بسیارند. به همان نسبت منابع مربوط به سیاست و روابط خارجی ایران عصر پهلوی دوم که به زبان‌های بیگانه چاپ شده نیز فراوانند؛ هرچند انگشت شمار تألیفاتی که به فارسی نوشته شده با تعداد این نوع منابع به هیچ وجه قابل مقایسه نمی‌باشد. نوشته‌هایی که در زمینه مسایل مختلف روابط خارجی ایران در اختیار است، بیشتر برگردان نوشته‌های نویسندگان خارجی یا ایرانیان مقیم خارج از کشور می‌باشد و حتی دو کتابی که ظاهراً تحت عنوان تألیف ارائه شده، ترجمه آزاد دو کتاب پروفیسور روح‌الله رمضانی می‌باشد و نمی‌توان نام تألیف بر آنها نهاد. به سخن دیگر، پژوهش مستقلی که به تحلیل و بررسی سیاست و روابط خارجی ایران در دوره سلطنت محمدرضا شاه پرداخته باشد و بازتاب عملی و کاربردی استراتژی دوگانه سیاست خارجی ایران را در آن دوره محققانه و ژرفکاوانه و به دور از یک‌سونگری مورد بررسی قرار داده باشد، وجود ندارد. بنابراین هدف عمده تهیه و تدوین این کتاب تبیین میزان انطباق عملی سیاست خارجی ایران در دوران سی و هفت ساله سلطنت محمدرضا شاه پهلوی با دو دیدگاه و استراتژی متعارض «موازنه منفی» و «ناسیونالیسم مثبت»، به گونه‌ای علمی و با روشی تاریخی است.

دیدگاه تاریخی یک برداشت معتبر قدیمی تجزیه و تحلیل مسایل سیاسی و روابط بین‌الملل به شمار می‌آید. مهم‌ترین امتیاز این دیدگاه برای این کتاب، روشنگری تغییر و تحولاتی است که در محیط داخلی ایران و در صحنه بین‌المللی روی می‌دهد و از بررسی مسایل سیاست خارجی ایران، با در نظر گرفتن عوامل زمان و مکان، قوانین و ضوابط کلی استنتاج کرده و در دسترس خوانندگان و جویندگان واقعیت‌ها می‌گذارد. بدین ترتیب کاربرد دیدگاه تاریخی به ما کمک می‌کند که رخدادهای گذشته را به گونه‌ای بنگریم که بتوان شناختی واقع‌بینانه و دقیق از دو محیط داخلی و

خارجی در مقطع زمانی مورد نظر به دست آید.

ابتدا به تعریف برخی از مفاهیم سیاسی به کار گرفته شده در این کتاب می‌پردازیم. «روابط خارجی» شامل آن دسته از روابط می‌شود که به عنوان امری رسمی، ابتکار آن با حکومت‌ها بوده توسط آنها هدایت می‌شود و از روابط بین گروه‌ها، سازمان‌ها، احزاب و سندیکاها متمایز می‌باشد در حالی که «سیاست خارجی» نسبت به «روابط خارجی» معنی و مفهوم گسترده‌تری دارد؛ سیاست خارجی را باید مجموعه‌ای از اهداف، جهت‌گیری‌ها، روش‌ها و ابزارهایی در نظر گرفت که یک حکومت در مقابل سایر واحدهای سیاسی بین‌المللی برای دستیابی به منافع ملی دنبال می‌کند. سیاست خارجی در نهایت سعی می‌کند بر رفتار و کردار سایر کشورها و در نتیجه بر کل نظام بین‌المللی اثر بگذارد؛ کما این که از محیط خارجی نیز تأثیر می‌پذیرد.

در هر نظام سیاسی، قوه مجریه کانون و عنصر اصلی ساختار سیاسی در روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی به شمار می‌آید. وظیفه اصلی این نهاد در خصوص سیاست خارجی در درجه اول تشخیص دادن منافع خارجی کشور و اولویت‌بندی و اجرای آن است. در همین راستا، اولین وظیفه سیاست خارجی حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است. دومین مسئولیت سیاست خارجی، تأمین نیازهای اقتصادی، تجاری و نظامی است. وظیفه سوم تأمین پرستیژ بین‌المللی است و بالاخره آخرین مسئولیت سیاست خارجی ارتقاء توانمندی و قدرت تصمیم‌گیری ساختارهای درون نظام است. بنابراین کارکردهای جهت‌گیری سیاست خارجی جلب حمایت و تجهیز مردم را بر عهده دارد. در نظام سیاسی، پویش سیاست از توانمندی و قدرت تصمیم‌گیری ساختارهای درون نظام شکل می‌گیرد؛ بدین معنا، نقش حکومت و ساختار سیاسی در ارتباط مستقیم و رسمی با یکدیگرند. به رغم این که نقش و مسئولیت حکومت نسبت به اتخاذ و اعمال سیاست خارجی بسیار گسترده است، ولی پویش شکل‌گیری سیاست خارجی در درون نظام سیاسی بر اساس منافع ملی و خواسته‌ها و منافع ساختارهای داخلی نظام صورت می‌گیرد. بنابراین، آنچه در این کتاب به عنوان استراتژی‌های مختلف در تعیین و اجرای سیاست خارجی مطرح می‌شوند، شدیداً متأثر از نقش و عملکرد طیف وسیعی از منافع ساختاری است که در تعامل ارزشی و عملی با این مقوله هستند. با این وجود، نقش و میزان تأثیرگذاری نظام بین‌الملل بر سیاست و روابط کشورها را نمی‌توان نادیده گرفت. میزان و ترکیب وابستگی متقابل موجب بروز نوعی رژیم خاص بین‌المللی شده که ضرورتاً بر رفتار خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد. مورتون کاپلان در رابطه با تأثیرپذیری واحدهای سیاسی از نظام بین‌المللی، ساختار قدرت در کل نظام را در شش مدل ارائه داده است. نظام توازن قوا، نظام دوقطبی انعطاف‌پذیر، نظام دوقطبی انعطاف‌ناپذیر، نظام جهانی، نظام سلسله مراتبی و نظام وتو، که تنها دو مدل اول و دوم معادل تاریخی دارند.

به نظر کاپلان، ساختار قدرت در هر نظام مشخص بین‌المللی یک سلسله قواعد جوهری خاص خود را دارد که ضرورتاً بر روند عملکرد و رفتار سیاست خارجی کشورهای عضو نظام

بین‌المللی مؤثر خواهند بود. در بسیاری از رژیم‌ها مبانی و پایه‌های قدرت بر اساس عناصر داخلی نظام سیاسی استوار است و عوامل خارجی به صورت حاشیه‌ای می‌باشند؛ در حالی که در بررسی ماهیت و کیفیت قدرت رژیم اقتدارگرای محمدرضا شاه هر دو عامل داخلی و خارجی نقش اساسی در تحکیم موقعیت و تثبیت حکومت بازی می‌کنند.

به سخنی دقیق‌تر، در بررسی رفتار بین‌المللی هر حکومتی، روابط کشورها را در حوزه جغرافیایی و تاریخی خاص خود آن کشورها باید جستجو کرد. افزون بر این نباید صرفاً به ساختار تصمیم‌گیری توجه نمود که آیا این ساختار قائم به شخص است یا مبتنی بر قانون. در ضمن در این راستا باید به خواسته‌ها و هدف‌های تصمیم‌گیرندگان و اجراکنندگان، به ویژه به تصویری که آنها از ساختار نظام بین‌المللی و ماهیت آن دارند، توجه نمود. چنانچه رژیمی بر پایه عدم توجه به قانون و بی‌توجه به فعالیت نهادهای مشارکت قانونی استقرار یافته باشد، این سنخ از سلطه، لازمه‌اش وجود یک قدرت متمرکز و غیرقانونی است که بتواند با نادیده گرفتن منافع و خواسته‌های مدنی و سیاسی مردم و با اعمال خشونت و به کارگیری زور، راه به تاراج دادن منابع طبیعی و منافع ملی را هموار نماید. طبیعی است یک چنین وضعیتی سیاست خارجی کشور را در جهت منافع نیروهای داخلی سوق نمی‌دهد، بلکه برعکس در جهت تحکیم رابطه با قدرت‌های برتر و متنفذ بین‌المللی و تقسیم منابع و درآمدهای کشور با آنها پیش خواهد رفت تا بتواند با توجه به عدم مشروعیت داخلی، حمایت آنها را برای بقای خود جلب نماید. بنابراین برای آزمون فرضیه مطرح شده نمی‌توان فقط به نظام بین‌المللی به عنوان وزنه اصلی و نقش دهنده سیاست خارجی ایران و ایالات متحده آمریکا به مثابه بازیگر اصلی آن توجه داشت، بلکه عامل کامیابی و یا ناکامی سیاست خارجی را باید همچنین در شرایط فرهنگی، روابط اجتماعی، ساخت سیاسی دولت و ماهیت طبقاتی هیأت حاکمه جستجو کرد؛ لذا روش منطقی مورد استفاده در این تألیف، توجه به هر دو عامل بیرونی و درونی می‌باشد. با عنایت به این نکته که عوامل بیرونی نقش اصلی در تعیین سیاست خارجی به عهده داشته‌اند و تنها در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۰ سیاست‌گذاری خارجی و اجرای آن عمدتاً متأثر از عوامل درون جامعه‌ای بوده‌اند، بر این اساس در تعیین چگونگی مناسبات خارجی ایران، فرض اصلی مبتنی بر این اصل است که سیاست خارجی ایران به استثناء سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ تابعی از تغییر و تحولات نظام و روابط بین‌الملل بود. محمدرضا شاه پهلوی به خاطر احساس عدم امنیت از توسعه‌طلبی اتحاد جماهیر شوروی، روابط نزدیک و بسیار حسنه‌ای را با آمریکا دنبال می‌کرد. حتی در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ یعنی در سال‌های تنش‌زدایی که تهدید ایران توسط ابرقدرت سرخ از بین رفته بود، از تمایل محمدرضا شاه به گسترش پیوندهای اقتصادی و امنیتی نزدیک‌تر با این کشور به هیچ وجه کاسته نشد؛ برعکس در سال‌های افزایش توانمندی مالی ایران، ناشی از فروش نفت به احساس قدرت و ضرورت نزدیکی به آمریکا افزوده شد. سقوط شاه عملاً نمایش ترس او از کمونیسم از یک سو و وابستگی یک‌جانبه به آمریکا از سوی دیگر است.